



## رباعیات خیام و مهستی در سفینه اسکندری

(دستنویس مورخ ۸۱۳ ق موزه گلبنکیان)

سیدعلی میرافضلی

| ۱۹۵-۲۱۵ |

۱۹۵

آینه پژوهش | ۲۰۷

سال ۳۵ | شماره ۳

مرداد و شهریور ۱۴۰۳

چکیده: از جمله نوادر نسخی که برای کتابخانه جلال‌الدین اسکندر (نوه تیمور گورکانی) تهیه شده، مجموعه‌ای از اشعار و رسایل است که در سال ۸۱۳ ق فراهم آمده است و اکنون در کتابخانه موزه گالوست گلبنکیان شهر لیسبون نگه‌داری می‌شود. این نسخه ارجمند دارای دو دفتر مجزا در یک مجلد است که یکی به آثار منظوم و دیگری به رسایل اختصاص دارد. اشعار موجود در دفتر اول، دربردارنده آثار بزرگان شعر و ادب فارسی از قرن پنجم تا اوایل قرن نهم است که در متن و هامش نسخه به قلم دو تن از کاتبان دستگاه اسکندر میرزا کتابت شده است: حسن الحافظ و محمود الحسینی. از جمله اشعار موجود در این گلچین شعر، هفت رباعی منسوب به خیام و ۲۲ رباعی منسوب به مهستی گنجوی است که در مقاله حاضر به معرفی و بررسی آن‌ها می‌پردازیم. همچنین گزارش کوتاهی از بخش رباعیات منبع مذکور به دست خواهیم داد.

کلیدواژه‌ها: اسکندر میرزا، موزه گلبنکیان، رباعی، عمر خیام، مهستی گنجوی.

**Quatrains of Khayyām and Mahasti in the Iskandari Manuscript  
(Manuscript Dated 813 AH, Gulbenkian Museum)**

Seyed Ali Mirafzali

**Abstract:** Among the rare manuscripts prepared for the library of Jalal al-Din Iskandar (the grandson of Timur Gurkani), is a collection of poems and writings compiled in 813 AH, which is now housed in the Gulbenkian Museum Library in Lisbon. This precious manuscript contains two separate volumes bound together, one dedicated to poetic works and the other to writings. The poems in the first volume include works by prominent Persian poets and scholars from the 5th to the early 9th century, written by two scribes of Iskandar Mirza's court: Hassan al-Hafiz and Mahmud al-Hosseini. Among the poems in this anthology are seven quatrains attributed to Khayyām and 22 quatrains attributed to Mahasti Ganjavi, which we introduce and examine in this article. Additionally, we provide a brief report on the quatrains section of the manuscript.

**Keywords:** Iskandar Mirza, Gulbenkian Museum, Quatrains, Omar Khayyām, Mahasti Ganjavi.



جلال‌الدین اسکندر بن عمر شیخ در دوران کوتاه حکومت خود (از ۸۰۷ تا ۸۱۷ ق) گروهی از هنرمندان بزرگ ایران زمین را مأمور تولید آثار فاخر هنری و ادبی کرد. برخی از یادگارهای باقی‌مانده کتابخانه او، در کتابخانه‌ها و موزه‌های جهان موجود است. از جمله آن‌ها، دستنویسی است که حدود یک قرن پیش به دست گالوب گلبنکیان مجموعه دار ارمنی افتاد و هم اکنون در موزه گلبنکیان، در شهر لیسبون پرتغال، به شماره LA161 نگه‌داری می‌شود. این نسخه، دارای دو دفتر جداگانه است. بخش اول نسخه (برگ ۱ تا ۲۳۴ پ)، به گلچینی از آثار منظوم فارسی اختصاص دارد و دفتر دوم آن (برگ ۲۳۵ تا ۴۴۱ پ) مجموعه‌ای از رسایل و متون نثر ادبی، علمی و تاریخی است. نسخه دارای ۳۴ نگاره است که در سال ۱۹۶۷ میلادی دچار آب‌دیدگی شد. به سفارش گلبنکیان، یکی از هنرمندان ترک نگاره‌ها را مرمت کرد و لاجرم نگاره‌های فعلی از اصالت اولیه دور افتاده است. نسخه را دو تن از کاتبان کارگاه نسخه‌پردازی جلال‌الدین اسکندر کتابت کرده‌اند، یکی حسن الحافظ و دیگری محمود بن مرتضی بن احمد الحافظ الحسینی. رقم این دو نفر، چند جای نسخه دیده می‌شود و چهار مورد آن، دارای تاریخ است و هر چهار مورد، در دفتر دوم نسخه جای دارد؛ دو رقم از آن محمود حسینی است (برگ ۲۹۴ پ، ۳۲۵ پ) و یک رقم، نگاشته حسن حافظ (برگ ۴۰۸ پ). رقم چهارم (برگ ۴۲۸ پ) فاقد نام کاتب است، ولی به احتمال زیاد نگاشته حسن حافظ است. شیوه کتابت بخش اول و دوم نسخه متفاوت است و معلوم نیست دفتر اول را کدام یک از دو کاتب نوشته‌اند. محمدرضا غیاثیان و ایلسه استورکنیوم در مقاله‌ای با عنوان «نسخه‌ای شاهانه کتابت شده برای اسکندر بن عمر شیخ»، ویژگی‌های این نسخه و دو نسخه مرتبط با آن را معرفی کرده‌اند که از آن بهره‌برده‌ایم (رک. فهرست منابع).<sup>۱</sup> ما این دستنویس را به قیاس مجموعه همسان و همسال آن که به «جنگ اسکندری» نامبردار شده است، «سفینه اسکندری» نامیده‌ایم. در این بررسی، تمرکز ما بر دفتر اول دستنویس موزه گلبنکیان است. دفتر دوم سفینه اسکندری نیازمند بررسی جداگانه است که از عهده این نوشته خارج است. آنچه در این مقاله عرضه می‌شود، معرفی و بررسی هفت رباعی منسوب به حکیم عمر خیام و ۲۲ رباعی منسوب به مهستی گنجوی است که در هامش اوراق دفتر نخست نسخه گلبنکیان جای گرفته و به دلیل تاریخ نسخه، دارای

۱. دو نسخه مرتبط با دستنویس گلبنکیان عبارتند از: دستنویس شماره FY1418 کتابخانه دانشگاه استانبول که در سال‌های ۸۱۳ و ۸۱۴ ق کتابت شده و نسخه شماره Pers.474 مؤسسه تاریخ پزشکی ولکام که در ۸۱۳ رقم خورده است.

اهمیت است. حکیم عمر خیّام و بانو مهستی گنجوی هر دو فاقد دیوان اشعارند و مهم‌ترین مأخذ رباعیات آن‌ها، جُنگ‌ها و سفینه‌های کهن است. اهمیت نقل رباعیات ایشان به همین موضوع بر می‌گردد.

اشعار موجود در دفتر اول، به خط نستعلیق در متن و هامش اوراق جای گرفته است. شیوه انتخاب، ساختار کتاب و شیوه کتاب‌آرایی دفتر اول بسیار به نسخه دیگری از کتابخانه جلال‌الدین اسکندر شهابت دارد که نزد محققین ایرانی، به جُنگ اسکندری یا جُنگ اسکندرمیرزا مشهور است و آن، نسخه شماره Add.27261 کتابخانه بریتانیاست که تصویری از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و کتابخانه شخصی مجتبی مینوی موجود است. برای نسخه مذکور، دو فهرست جداگانه نوشته‌اند.<sup>۱</sup>

آنچه در متن دفتر اول سفینه اسکندری کتابخانه گلبنکیان کتابت شده، عبارت است از:

منتخب **خمسه نظامی گنجوی**، شامل: مخزن الاسرار (۴-پ۱۳)؛ خسرو و شیرین (۱۳-پ۳۸)؛ لیلی و مجنون (۳۸-پ۵۷)؛ هفت پیکر (۵۷-پ۸۰)؛ شرف‌نامه اسکندری (۸۰-پ۱۰۳)؛ اقبال‌نامه (۱۰۳-پ۱۱۵)؛ گشتاسب‌نامه (۱۱۵-پ۱۲۲)؛ **ابکار الافکار** (۱۲۲-پ۱۲۹)؛ **کتاب القصاید** (۱۳۰-پ۲۰۰)؛ **غزلیات سلمان** (۲۰۹-پ۲۰۹)؛ **غزلیات حافظ** (۲۰۹-پ۲۱۷)؛ **غزلیات کمال خجندی** (۲۱۸-پ۲۲۳)؛ **غزلیات خسرو دهلوی** (۲۲۳-پ۲۲۸)؛ **غزلیات حسن دهلوی** (۲۲۸-پ۲۳۱)؛ **غزلیات ناصر بخارایی** (۲۳۲-پ۲۳۴).

محتوای هامش دفتر اول نیز به قرار زیر است:

منتخب **منطق الطیر** (۴-پ۳۸)؛ منتخب **مثنوی مولانا** (۳۸-پ۵۷)؛ ده **نامه اوحدی** (۵۷-پ۷۴)؛ منتخب **حدیقه** (۷۴-پ۸۰)؛ **نصاب فراهی** (۸۰-پ۸۸)؛ **مدخل منظوم** (۸۸-پ۹۵)؛ **دیباچه گلستان** (۹۵-پ۹۷)؛ **حکایات ناشناخته** (۹۸-پ۱۰۱)؛ **یوسف و زلیخای جامی** (۱۰۳-پ۱۱۸)؛ **من نتایج الافکار** (۱۳۰-پ۲۳۴). کتابت حکایات ناشناخته و یوسف و زلیخای جامی به خطی جدیدتر است و رنگ مرکب آن

۱. فهرست اول را اصغر مهدوی و ایرج افشار تهیه کرده‌اند («فهرست جُنگ اسکندر میرزای تیموری»، ۱۳۶۵ش) و فهرست دیگر، با درج نمونه‌های شعر، نگاشته مجتبی مینوی است («از جُنگ اسکندری»، ۱۴۰۰ش).

محو شده و چندان قابل خواندن نیست. برخی دیگر از مواضع هامش نسخه نیز سفید است و اقدامی برای تکمیل آن صورت نگرفته است.

یکی از بخش‌های مهم این دفتر، گلچینی از اشعار فارسی است که در هامش اوراق ۱۳۰ تا ۲۳۴ جای گرفته و «نتایج الافکار» نامیده شده است. این بخش، شامل اشعاری در قالب غزل، مثنوی، رباعی، قطعه و تک بیت از شاعران قرن پنجم تا اوایل قرن نهم هجری است و به تعبیری، مکمل گلچینی است که در بخش اصلی نسخه در اوراق مذکور در قالب‌های قصیده و غزل نقل شده است و در کنار هم، گلچین متنوعی از قوالب مختلف شعر فارسی را عرضه می‌دارد.

### سفینه اسکندری و مونس الاحرار

منتخباتی که در هامش اوراق تحت عنوان «نتایج الافکار» ثبت و ضبط شده، دارای تقسیم‌بندی موضوعی است و طبق آنچه بنده دریافته‌ام به دو مأخذ تکیه زیادی دارد: یکی جُنگ اشعار شماره ۱۴۴۵۶ کتابخانه گنج‌بخش (یا مادرنسخه مفقوده آن) که در اوایل قرن هشتم هجری فراهم آمده و دیگری، مونس الاحرار محمد بن بدر جاجرمی.<sup>۱</sup> طبق سنتی که در تدوین دواوین شعر وجود داشته و رباعیات و تک‌بیت‌ها را در آخر دواوین قرار می‌دادند، در برخی از سفینه‌های شعر نیز بدین سنت عمل شده است. مونس الاحرار جاجرمی نمونه بارزی از این سفینه‌هاست. گردآورنده سفینه اسکندری نیز از این سنت پیروی کرده و به نظر من، مونس الاحرار یکی از الگوهای اصلی او بوده است. در هامش اوراق ۲۱۱ تا ۲۲۹ ما با منتخبی از رباعیات کهن فارسی سر و کار داریم که با عنوان «در رباعیات» از بخش قبل تفکیک شده و دارای دسته‌بندی موضوعی است. گردآورنده سفینه اسکندری بخش رباعیات سفینه خود را چه در ترتیب و چیدمان رباعیات و چه در نوع رباعیات از باب بیست و هشتم مونس الاحرار جاجرمی اقتباس کرده است. باب بیست و هشتم مونس الاحرار دارای سی و شش فصل موضوعی است و در مجموع، ۴۷۰ رباعی دارد. گزیده رباعیات این دو گلچین شعر با این رباعی عطار آغاز می‌شود (مونس الاحرار، ۲: ۱۱۳۵؛ سفینه اسکندری، ۲۱۱):

۱. تطبیق و بررسی اشعار سفینه اسکندری با اشعار موجود در جُنگ اشعار گنج‌بخش و مونس الاحرار می‌تواند موضوع تحقیقی مستقل باشد.

ای پاکی تو منزه از هر پاکی قدوسی تو مقدس از ادراکی  
در راه تو صد هزار عالم گردی در کوی تو صد هزار آدم خاکی

کاتب به طور معمول در هاشم هر صفحه یازده رباعی نوشته و عنوان رباعیات (نام شاعر یا موضوع شعر) را با مرکب زرین در جداول جداگانه کتابت کرده است. طبق احصاء بنده، کل رباعیات سفینه اسکندری، اعم از آنچه در بخش گزیده رباعیات آمده و رباعیاتی که در سایر بخش‌ها درج شده، بالغ بر ۴۴۶ رباعی می‌شود که سه فقره آن تکراری است. از ۴۴۳ رباعی سفینه اسکندری، ۲۶۶ رباعی آن با مونس الاحرار مشترک است. بنابراین، گردآورنده سفینه مذکور علاوه بر مونس الاحرار منابع دیگری نیز در اختیار داشته است. از رباعیات مشترک میان سفینه اسکندری و مونس الاحرار، ۲۸ رباعی سفینه، عنوانی متفاوت با مونس الاحرار دارد که نیازمند بررسی جداگانه است. این عناوین متفاوت مربوط به نام شاعران است. طبق بررسی اولیه‌ای که انجام داده‌ام می‌توانم بگویم که عناوین مونس الاحرار دقیق‌تر است و کاتب سفینه اسکندری همه جا دقت لازم را نداشته است.

۲۰۰

آینه پژوهش | ۲۰۷  
سال ۳۵ | شماره ۳  
مرداد و شهریور ۱۴۰۳

بخش انتهایی منتخب رباعیات سفینه اسکندری، به رباعیات سلمان ساوجی اختصاص دارد که مشتمل بر ۸۸ رباعی پشت سر هم است و این بیشترین تعداد رباعی است که از یک شاعر در این سفینه نقل شده است. به نظر می‌رسد کاتب این رباعیات را از روی نسخه‌ای از دیوان سلمان ساوجی یکجا نقل کرده است. با توجه به تاریخ نسخه (۸۱۳ق) این متن باید در تصحیح رباعیات سلمان ساوجی مورد توجه قرار گیرد.<sup>۱</sup> رباعیات سلمان با رباعی: «درویش برو جامه صورت برکن» آغاز می‌شود (برگ ۲۲۵ر) و با رباعی «براسب مراد شه صفت می‌تازی» (برگ ۲۲۹ر) خاتمه می‌پذیرد و رباعیات با عنوان «دیگر» به هم ربط یافته‌اند.

بعد از سلمان ساوجی، شاعر مورد علاقه گردآورنده سفینه، کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی است که ۵۹ رباعی از او در اوراق مختلف نقل شده است. عطار با ۳۵ رباعی، بدرالدین جاجرمی با ۲۲ رباعی، مهستی گنجوی با ۲۲ رباعی، سنایی غزنوی با ۷ رباعی،

۱. در دیگر بخش‌های سفینه اسکندری نیز قصاید، غزلیات، ترجعات و قطعات سلمان نقل شده و مصححین و محققین اشعار سلمان می‌توانند از این نسخه به گونه دستنویس کهنی از دیوان این شاعر بهره‌مند گردند.

خیام با ۷ رباعی و شرف‌الدین یزدی نیز با ۷ رباعی در مرتبه بعدی قرار دارند. سراج‌الدین قمری آملی، اثیر اومانی، سعدی، شمس‌الدین نیازی (یا انباری)، نظامی گنجوی، قاضی نظام‌الدین اصفهانی، شیخ نجم‌الدین دایه، شمس‌الدین صاحب‌دیوان، خواجه علاء‌الدین، جمال‌الدین عبدالرزاق، مجد همگر، ابوالفرج رونی، انوری، ظهیرالدین فاریابی، سعدالدین بهاء، جلال‌الدین رومی، برهان‌الدین، صاین‌الدین شیرازی، شمس کرچی، قطب‌الدین شیرازی، سیف‌الدین باخرزی، شیخ ابوعلی سینا و سید حسن غزنوی از دیگر شاعرانی هستند که یک یا دو رباعی آن‌ها در سفینه اسکندری یافت می‌شود.

### سفینه اسکندری و جنگ اسکندری

اگرچه گفتیم که ساختار سفینه اسکندری با جنگ اسکندری (نسخه کتابخانه بریتانیا) یکسان است و هر دو دستنویس در تاریخی واحد برای کتابخانه جلال‌الدین اسکندر فراهم آمده‌اند، مشترکات آن‌ها در بخش رباعیات چندان چشمگیر نیست. جنگ اسکندری ۱۴۶ رباعی دارد که فقط ۱۷ رباعی آن با سفینه اسکندری مشترک است. از این ۱۷ رباعی مشترک، ۱۴ رباعی در هر دو منبع به مهستی گنجوی منسوب است. بنابراین، با اطمینان زیادی می‌شود گفت که این دو نسخه به رغم شباهت ساختاری، منابع یکسانی نداشته‌اند و فقط رباعیات مهستی گنجوی را از مأخذ یکسانی نقل کرده‌اند. رباعی زیر که در جنگ اسکندری (برگ ۱۴۳ر) به نام فخرالدین رازی است:

در وصف تو بسیار سخن رانده‌ایم      بسیار کتب ساخته و خوانده‌ایم  
پس با سخن پیرزنان آمده‌ایم      ای تو همه تو، جمله فرومانده‌ایم

در سفینه اسکندری (برگ ۲۱۱پ) با ضبطی متفاوت به «شیخ ابوعلی سینا» نسبت داده شده است:

بسیار کتب ساخته و خوانده‌ایم      بسیار سخن شنیده و رانده‌ایم  
هم با سخن پیر جهان آمده‌ایم      ای تو همه تو، جمله فرومانده‌ایم

۱. رباعی نه از فخر رازی است و نه از ابن سینا؛ بلکه از سروده‌های عطار نیشابوری است (مختارنامه، ۷۹).



از جمله رباعیات مشترک این دو منبع، رباعی زیر است (جنگ اسکندری، ۱۴۷؛ سفینه اسکندری، ۱۴۹پ):

عمری به امید آنکه به گردد کار      کردم سفر و گزیده ام فرقت یار  
هر روز که بگذرد، زهی شادی دی      هر سال که نو شود، زهی راحت یار  
نام گوینده رباعی فوق «شمس الدین» ذکر شده، ولی کتابت نسبت او در هر دو نسخه بدون نقطه صورت گرفته است:



مینوی، حرف اول کلمه را بدون نقطه و حرف دوم را یاء در نظر گرفته است. مهدوی و افشار، این کلمه را «نیازی» خوانده‌اند.<sup>۱</sup> تقی اوحدی بلیانی، در بخش متقدمین تذکره خود از شاعری به نام «شمس الدین نیازی» یاد کرده و یک رباعی مشهور منسوب به خیام را بدو نسبت داده است:

یک نان به دو روز اگر شود حاصل مرد      وز کوزه شکسته‌ای دم آبی سرد  
مأمور کم از خودی چرا باید بود      یا خدمت چون خودی چرا باید کرد<sup>۲</sup>

همین رباعی با تغییراتی اندک در سفینه اسکندری به نام «شمس الدین انباری» نقل شده است (برگ ۱۳۵پ).<sup>۳</sup> با توجه به قدمت سفینه اسکندری و تردید کاتب در کتابت نام او، این احتمال دور از ذهن نیست که شمس الدین نیازی (با نقطه یا بدون نقطه)، دگرگشته شمس الدین انباری باشد. شاید این شمس الدین انباری، همان شاعر ترمذی است که رشید وطواط از او نام برده و بیتی از یک رباعی او را در کتاب خود نقل کرده است: «من وقتی به ترمذ بودم. انباری شاعر پیوسته به نزدیک من بودی و گفته‌های خود بر من عرض کردی و از صلاح و فساد آن پرسیدی. روزی در بازار نشسته بود، پسری طبّاخ بر او بگذشت و او را به چشم خوش آمد و این بیت در معنی او بگفت: آن کودک طبّاخ بر آن چندان نان/ ما را به لبی همی ندارد

۱. «از جنگ اسکندری»، مینوی، ۵۶۳؛ «فهرست جنگ اسکندرمیرزا تیموری»، ۱۹۱.

۲. عرفات العاشقین، ۴: ۲۰۳۹؛ طبخانه (رباعیات خیام)، ۱۲۲.

۳. تغییرات آن چنین است: اگر بود (مصراع اول)؛ وز کوزه بشکسته دمی (مصراع دوم). بیت دوم یکسان است.

همان. حالی با من بگفت و نام این صنعت پرسید. او را بیاموختم. غرض از این لبی است که چون بشنوند، پندارند که لب نان خواسته است و مراد او خود لب کودک است. و انباری را از این بسیار در افتادی از راه طبع، نه از راه علم.<sup>۱</sup> اگر این حدس درست باشد، شاعر مورد نظر ما در سفینه اسکندری، از سخنوران قرن ششم هجری است. از این شمس الدین انباری یا نیازی، یک رباعی دیگر نیز در سفینه اسکندری در دنباله رباعی نخست با عنوان «وله ایضاً» نقل شده است (برگ ۱۴۹ پ):

عمری ز پی مراد بُردیم به سر نایافته بر مراد یک روز ظفر  
تالاجرم امروز جهان می گوید کای عمر به باد رفته، خاکت بر سر!

این نکته نیز در خور ذکر است که جنگ اسکندری با اینکه رباعی کمتری دارد، تنوع شاعران در آن بیش از سفینه اسکندری است. جنگ اسکندری از حیث اشتغال بر رباعیات شاعران فاقد دیوان و کمتر شناخته شده، به مراتب مهم تر از سفینه اسکندری است.

#### چند نکته دیگر در مورد رباعیات سفینه اسکندری

از لحاظ تقدّم و تأخر زمانی، حکیم ابن سینا (د. ۴۲۸ ق) متقدّم ترین سخنوری است که شعری از او (دو رباعی) در سفینه اسکندری نقل شده و شرف الدین یزدی آخرین شاعر این مجموعه است. شخص اخیر، احتمالاً شرف الدین علی یزدی (د. ۸۵۷ ق) مؤرخ مشهور عصر تیموری است که ظفرنامه اش در تاریخ تیمور و فتوحات او بسیار مشهور است. هفت رباعی معتمایی که در سفینه اسکندری به نام شرف الدین یزدی درج شده، قدیمی ترین منبع اشعار او به شمار می آید. در منظومات شرف الدین علی یزدی که به اهتمام ایرج افشار چاپ شده (تهران، ۱۳۸۶ ش)، از این رباعیات اثری نیست.<sup>۲</sup>

از میان رباعیات در خور توجهی که در سفینه اسکندری ذکر شده، می توان به مجابات شمس الدین صاحب دیوان با خواجه علاء الدین (شاید منظور عطاملک جوینی باشد) اشاره کرد (برگ ۲۲۵ ر):

۱. حدایق السحر فی دقایق الشعر، ۴۱-۴۲ (با اصلاح رسم الخط)

۲. اینکه سفینه اسکندری حدود ۴۴ سال قبل از مرگ شرف الدین علی یزدی تدوین و کتابت شده، نباید باعث بدگمانی در مورد انتساب این اشعار به او شود. در دیوان او، اشعاری در مدح شاهان مظفری و تیموری در اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم دیده می شود (رک. منظومات، ۷) که همزمان با سال های تدوین و کتابت سفینه اسکندری بوده است.

## لشمس الدین صاحب دیوان

در کوی خرابات جگرسوزی چند بنشسته بُدند با دل افروزی چند  
بر کف قدح باده و خوش می گفتند: هم بگذرد و نمآند این روزی چند

## خواجه علاءالدین در جواب گفته

گر هست خرد رای<sup>۱</sup> تو در می پیوند بر سبیل غافلان عالم می خند  
آخر نه ز آصف جهان می شنوی: هم بگذرد و نمآند این روزی چند

رباعی شمس الدین که به حکیم عمر ختّام نیز منسوب است،<sup>۲</sup> یادآور این رباعی  
خیامانه است که عطاملک جوینی در سرزمین قراقورم شنیده و در کتاب خود نقل  
کرده است:

ای مدّت عمرت به یقین روزی چند خود چیست همه ملک زمین روزی چند  
از عمر نصیب خویش تا بتوانی بردار که می بگذرد این روزی چند<sup>۳</sup>

مصراع چهارم رباعی شمس الدین در این رباعی منسوب به ختّام نیز تکرار شده است:

کم کن طمع از جهان و می زی خرسند وز نیک و بد زمانه بگسل پیوند  
خوش باش چنان که هست کین دور فلک هم بگذرد و نمآند این روزی چند<sup>۴</sup>

## رباعیات ختّام در سفینه اسکندری

همان طور که پیشتر گفته شد، در سفینه اسکندری هفت رباعی به نام ختّام آمده  
که منبع پنج فقره آن مونس الاحرار است و دو رباعی دیگر (رباعی پنجم و هفتم)،  
از منبعی ناشناخته، نقل شده است. تا آنجا که بنده جست و جو کرده ام این دو رباعی  
در هیچ منبعی کهنی تا آن روزگار کتابت نسخه (۸۱۳ق) به ختّام منسوب نشده  
است. یار احمد رشیدی تبریزی در ۸۶۷ق رباعی پنجم را جزو رباعیات ختّام ثبت کرده

۱. در اصل همین است. شاید: یار تو.

۲. طریخانه، ۱۱۵.

۳. تاریخ جهانگشای، ۱: ۱۵۶.

۴. طریخانه، ۲۵.

است.<sup>۱</sup> اما سندی وجود دارد که نشان می‌دهد رباعی در زمان حیات خیّام بر سر زبان‌ها بوده و آن کتاب گنج الگنج یا دستور الملوک ابوالقاسم شادانی نیشابوری (زنده در ۵۰۸ق) است که بدون اشاره به نام شاعر رباعی را به عنوان شاهد کلام آورده است.<sup>۲</sup> بنابراین، رباعی اگر از خیّام نباشد، به روزگار او و مکتب رباعی سرایی او تعلق دارد. رباعی هفتم برای اولین بار در سفینه اسکندری است که به خیّام منسوب شده است. این رباعی را در منابع در دسترس (چه قدیم و چه جدید)، به نام خیّام یا شاعری دیگر، نیافتیم. حتی سوامی گویندا تیرتها پژوهشگر هندی که بیش از هزار رباعی منسوب به خیّام را از ۱۱۱ منبع خطی و چاپی گرد آورده (شراب رحمانی، کلکته، ۱۹۴۱م)، این رباعی را در کتاب خود ثبت نکرده است.

### عمر خیّام

عالم اگر از بهر تو می‌آزایند مگرای که عاقلان بدان نگرایند  
بسیار چو تو روند و بسیار آیند بریای نصیب خویش کت<sup>۳</sup> بریایند

(سفینه اسکندری، ۲۱۱پ؛ مونس الاحرار، ۲: ۱۱۴۴)

۲۰۵

آینه پژوهش | ۲۰۷  
سال ۳۵ | شماره ۳  
مرداد و شهریور ۱۴۰۳

### وله

چون روزی و عمر بیش و کم نتوان کرد خود را به کم و بیش دژم نتوان کرد  
کار من و تو چنانک رای من و توست از موم به دست خویش هم نتوان کرد

(سفینه اسکندری، ۲۱۱پ؛ مونس الاحرار، ۲: ۱۱۴۴)

### وله

وقت سحر است خیزای مایه ناز نرمک نرمک باده خور و چنگ نواز  
کاین‌ها که بجایند نپایند بسی و آن‌ها که شدند کس نمی‌آید باز

(سفینه اسکندری، ۲۱۱پ؛ مونس الاحرار، ۲: ۱۱۴۴)

۱. طریخانه، ۴۸.

۲. گنج الگنج، دستنویس لندن، ۴۸ر.

۳. در اصل: لت (سرکش کاف کتابت نشده).

وله

ایام زمانه از کسی دارد ننگ کو در غم ایام نشیند دلتنگ  
می خور تو در آبگینه و ناله چنگ زان پیش که آبگینه آید بر سنگ  
(سفینه اسکندری، ۲۱۱پ؛ مونس الاحرار، ۲: ۱۱۴۵)

وله

چون نیست حقیقت و یقین اندر دست نتوان به امید شک همه عمر نشست  
هان تا ننهیم جام می هیچ ز دست در بی خبری مُرد چه هشیار و چه مست  
(سفینه اسکندری، ۲۱۱پ)

وله

می خور که فلک بهر هلاک من و تو قصدی دارد به جان پاک من و تو  
در سبزه نشین و می روشن می خور کین سبزه بسی دمد ز خاک من و تو  
(سفینه اسکندری، ۲۱۲ر؛ مونس الاحرار، ۲: ۱۱۴۶)

و ایضاً له

بنیاد فلک سرب به درازی دارد پیر است و چو طفلان سر بازی دارد  
تو دادِ خودش به حقه بازی بستان کو با تو سر دوال بازی دارد  
(سفینه اسکندری، ۲۱۲ر)

رباعیات مهستی در سفینه اسکندری

کاتب سفینه اسکندری بلافاصله بعد از رباعیات خیام، به کتابت رباعیات مهستی پرداخته است که شامل ۱۶ رباعی پشت سر هم می شود (برگ ۲۱۲-۲۱۲پ). ۱۵ رباعی از ۱۶ رباعی، برگرفته از مونس الاحرار است و گردآورنده در ترتیب رباعیات نیز از ترتیب آن کتاب پیروی کرده؛ جز آنکه برخی رباعیات را نادیده گرفته، و یک رباعی نیز از منبع دیگر بدان افزوده است. این نکته را نیز تکرار می کنم که ۱۴ رباعی سفینه اسکندری در جُنگ اسکندری نیز موجود است. منبع جُنگ اسکندری نیز مونس الاحرار بوده است.<sup>۱</sup> نشانی رباعیات مشترک میان منبع ما و مونس الاحرار و جُنگ اسکندری ذیل هر رباعی قید خواهد شد.

۱. این واقعیت که رباعیات مهستی گنجوی در سفینه اسکندری از مونس الاحرار نشأت گرفته است، آن را به

### رباعیات مهستی راست

زرد است ز عشق خاک بیزی رویم این نادره را به هر کسی چون گویم  
این طرفه که خاک بیز زر جوید و من زر در کف و خاک بیز را می جویم  
(سفینه اسکندری، ۲۱۲ر؛ مونس الاحرار، ۲: ۱۱۵۱؛ جنگ اسکندری، ۲۸۲پ)

### ولها

آن یار کله دوز چه شیرین دوزد انواع کلاه از در تحسین دوزد  
هر روز کلاه اطلس لعلی را از گنبد سیمین زه زین دوزد  
(سفینه اسکندری، ۲۱۲ر؛ جنگ اسکندری، ۲۸۲پ)

### ولها ایضاً

زیابت کفشگر چو کفش آراید هر لحظه لب لعل بدان می ساید  
کفشی که ز لعل و شکرش آراید تاج سر خورشید فلک را شاید  
(سفینه اسکندری، ۲۱۲ر؛ مونس الاحرار، ۲: ۱۱۵۱؛ جنگ اسکندری، ۲۸۳پ)

### ولها ایضاً

ای تنگ شکر چون دهن تنگت نی رخساره گل چون رخ گلرنگت نی  
از تیر مژه این دل صدپاره من می دوز و ز پاره دوختن تنگت نی  
(سفینه اسکندری، ۲۱۲ر؛ مونس الاحرار، ۲: ۱۱۵۲؛ جنگ اسکندری، ۲۸۳پ)

### ولها ایضاً

ای رشته! چو قصد لعل کانی کردی با مرکب باد هم عنانی کردی  
در سوزن او، عمر تو کوتاه چراست نه غسل به آب زندگانی کردی  
(سفینه اسکندری، ۲۱۲ر؛ مونس الاحرار، ۲: ۱۱۵۲؛ جنگ اسکندری، ۲۸۴ر)

منبعی دست دوم تبدیل می کند. البته نباید فراموش کرد که نقطه آغاز انتساب بسیاری از رباعیات منسوب به مهستی گنجوی در تاریخ رباعی فارسی، مونس الاحرار است. به عبارت دیگر، ما می دانیم که رباعیات موجود در سفینه اسکندری از مونس الاحرار برآمده، ولی از منبع اصلی مونس الاحرار و کم و کیف اعتبار آن کاملاً بی خبریم.

## ولها ایضاً

فصّاب چنانک عادت اوست مرا      بفکند و بکشت و گفت کین خوست مرا  
پس عذرکنان نهاد سردر پایم      دم می‌دهدم تا بکند پوست مرا  
(سفینه اسکندری، ۲۱۲ر؛ مونس الاحرار، ۲: ۱۱۵۲؛ جُنگ اسکندری، ۲۸۳پ)

## ولها ایضاً

هر کارد که از کُشته خود برگیرد      واندر لب و دندان چو شکر گیرد  
گر بار دگر بر گلوی کُشته نهد      از بوی لبش زندگی از سر گیرد  
(سفینه اسکندری، ۲۱۲ر؛ مونس الاحرار، ۲: ۱۱۵۲؛ جُنگ اسکندری، ۲۸۳پ)

## ولها ایضاً

نَجّار که در پسته او خنده بود      عکس رخ او چو مهر تابنده بود  
باز از سر تیشه گر کند کنده‌گری      حَقّا که اگر نظیر آن کنده بود  
(سفینه اسکندری، ۲۱۲ر؛ مونس الاحرار، ۲: ۱۱۵۳)

## ولها ایضاً

سهمی که مرا دلبر خباز دهد      نه از سر کینه، کز سرِ ناز دهد  
در چنگ غمش بمانده‌ام همچو خمیر      ترسم که به دست آتشم باز دهد  
(سفینه اسکندری، ۲۱۲ر؛ مونس الاحرار، ۲: ۱۱۵۳)

## ولها ایضاً

آن کودک نعل بندِ داس اندر دست      چون نعل براسب [بست] از پای نشست<sup>۱</sup>  
زین نادره‌تر که دید در عالم پست      بدری به سم اسب هلالی برپست  
(سفینه اسکندری، ۲۱۲پ؛ مونس الاحرار، ۲: ۱۱۵۳؛ جُنگ اسکندری، ۲۸۴ر)

۱. کلمه «بست» از قلم کاتب سفینه اسکندری افتاده. از دو منبع دیگر افزودیم.

### و لها ايضاً

جوله بچه ای که جان و دل خسته اوست      از تار دو زلفش تن من بسته اوست  
بی بود چو تار زلف در شانه کند      زآن این تن زارگشته، پیوسته اوست  
(سفینه اسکندری، ۲۱۲ پ؛ مونس الاحرار، ۲: ۱۱۵۳)

### و لها ايضاً

شهری زن و مرد در رخت می نگرند      وز سوز غم عشق تو جان در خطرند  
هر جامه که سالی پدرت بفروشد      از دست تو عاشقان به روزی بدرند  
(سفینه اسکندری، ۲۱۲ پ؛ مونس الاحرار، ۲: ۱۱۵۳-۱۱۵۴؛ جنگ اسکندری، ۲۸۴ ر)

### و لها ايضاً

دی خوش پسری بدیدم از سراجان      شایسته و بایسته تر از سراجان  
از دست غمش همیشه در ضرا انس      وز عشق رخس همیشه در سراجان  
(سفینه اسکندری، ۲۱۲ پ؛ مونس الاحرار، ۲: ۱۱۵۴)

### و لها ايضاً

با ابر همیشه در عتابش بینم      جوینده نور آفتابش بینم  
گر مردمک دیده من نیست چرا      هر گه که طلب کنم در آتش بینم؟  
(سفینه اسکندری، ۲۱۲ پ؛ مونس الاحرار، ۲: ۱۱۵۴؛ جنگ اسکندری، ۲۸۴ ر)

### و لها ايضاً

مضرب ز زلف و نی ز قامت سازی      در شهر ترا رسد کبوتریازی  
دل ها چو کبوترند در سینه طیان      تا تونی وصل در کدام اندازی  
(سفینه اسکندری، ۲۱۲ پ؛ مونس الاحرار، ۲: ۱۱۵۴)



### و لها ايضاً

مسکین تبک ار نداشتی پروایت چون من نشدی شیفته هرجایت  
بیچاره لگد همی خورد، وز پی دل می آید و بوسه می دهد بر پایت  
(سفینه اسکندری، ۲۱۲پ؛ مونس الاحرار، ۲: ۱۱۵۴-۱۱۵۵)

علاوه بر رباعیات فوق، گردآورنده سفینه در بخش «تجنیس و مصنوعات» (برگ ۲۱۴-۲۱۴پ) ۱۶ رباعی بدون ذکر نام شاعر آورده که اغلب آن‌ها در فصل دوازدهم مونس الاحرار (تجنیسات و مصنوعات)، به اسم مهستی ثبت شده است. عنوان سه فقره از رباعیات این بخش در سفینه اسکندری «ولها ايضاً» است که معلوم می‌دارد گوینده آن‌ها زن است. به احتمال زیاد، کاتب هنگام گزینش رباعیات از منبع اصلی و حذف برخی از رباعیات، رباعی حاوی نام «مهستی» را از قلم انداخته است، اما حواسش نبوده که عنوان رباعی بعدی را اصلاح کند. حدس من این است که رباعی محذوف، اولین رباعی فصل دوازدهم مونس الاحرار بوده است: «معشوقه لطیف و چست و بازاری به». ما شش رباعی این بخش را نیز در دنباله ۱۶ رباعی پیشین می‌آوریم. با این قید که عناوین دچار تشتم است و آن‌ها را به اعتبار مونس الاحرار و به قرینه لفظ «ولها» از مهستی محسوب کرده‌ایم.

۲۱۰

آینه پژوهش | ۲۰۷  
سال ۳۵ | شماره ۳  
مرداد و شهریور ۱۴۰۳

### ايضاً

ما را سرِ ناز دلبران نیست کنون آن رفت و گذشت و دل برآن نیست کنون  
آن حُسن و طراوت که دل و دلبر داشت دل نیست برآن و دلبر آن نیست کنون  
(سفینه اسکندری، ۲۱۴ر؛ مونس الاحرار، ۲: ۱۱۶۲؛ جُنگ اسکندری، ۲۸۳ر)

### و له ايضاً

زلفین تو سی زنگی و هر سی مستان سی مستانند خفته در سیمستان  
عاجست بناگوش تو یا سیمست آن؟ زان سیمستان بوسه کم از سی مستان  
(سفینه اسکندری، ۲۱۴پ؛ مونس الاحرار، ۲: ۱۱۶۳؛ جُنگ اسکندری، ۲۸۳پ)

و ایضاً

ای روی تو از تازه گل بربر به  
وز چین و خطا و خلخ و بربر به  
صد بنده بربری ترا بنده شده  
بربر بنده نه که بربر بر به!  
(سفینه اسکندری، ۲۱۴ پ؛ مونس الاحرار، ۲: ۱۱۶۳)

و لها ایضاً

در گنجه دو سوزنگر استاد جوان  
رفتند به داوری بر شاه جهان  
فرمود ملک به درزیان گنجه  
گه در زن این برید و گه در زن آن!  
(سفینه اسکندری، ۲۱۴ پ؛ مونس الاحرار، ۲: ۱۱۶۴؛ جنگ اسکندری، ۲۸۳ پ)

و لها

ای آرزوی روان و ای داوری دل  
با گونه تو گونه گل شد باطل  
نقش صنم چین بپرست خجل  
بتگر نکند پیکر نقشت بچگل  
(سفینه اسکندری، ۲۱۴ پ؛ مونس الاحرار، ۲: ۱۱۶۳)

و لها

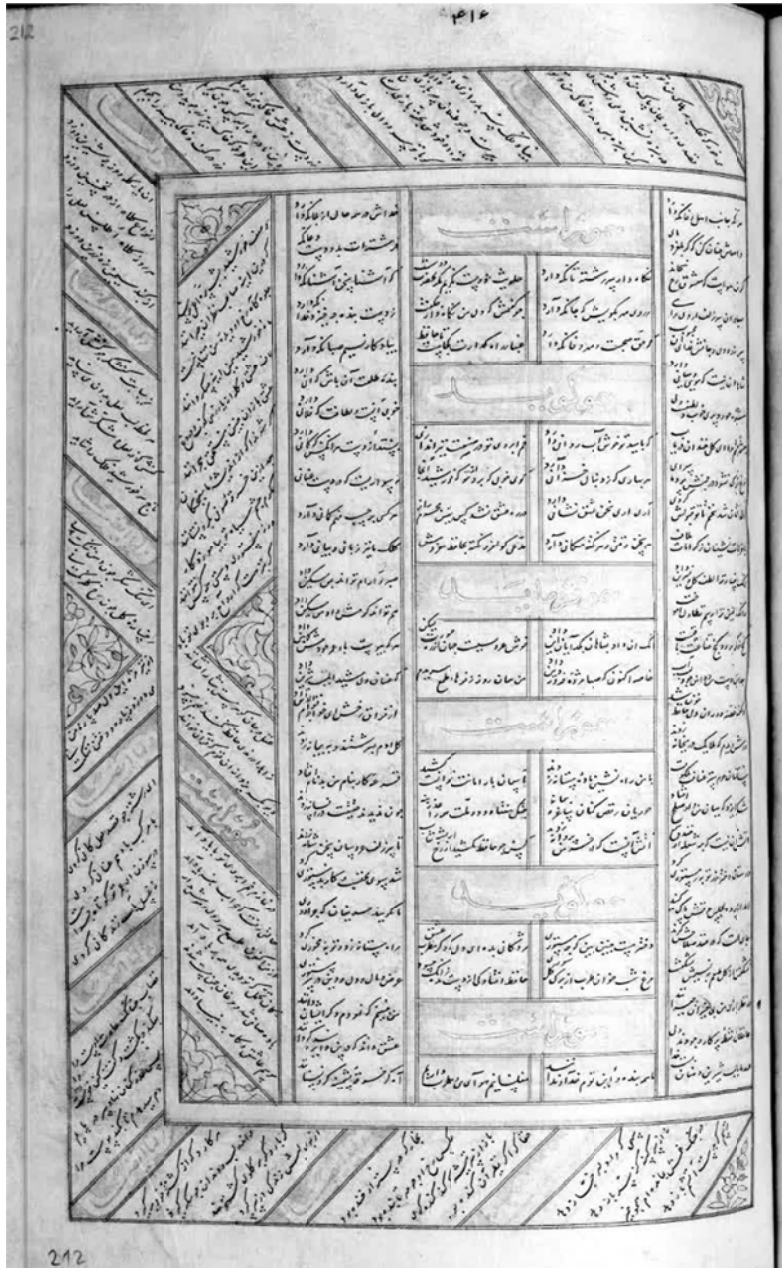
دارم گه و بی گه ز که و مه کم و بیش  
نفع و ضرر و خیر و شرز بیگانه و خویش  
این طرفه که آن دوست چو دشمن مه و سال  
گوید بد و نیکم شب و روز از پس و پیش  
(سفینه اسکندری، ۲۱۴ پ؛ مونس الاحرار، ۲: ۱۱۶۳-۱۱۶۴؛ جنگ اسکندری، ۲۸۳ پ)

## فهرست منابع

- «از جنگ اسکندری»، مجتبی مینوی، به یاد ایرج افشار، دفتر اول، به کوشش جواد بشری، تهران، بنیاد موقوفات افشار، ۱۴۰۰، ۵۵۵-۵۸۷.
- تاریخ جهانگشای، عظاملك جوینی، به اهتمام محمد قزوینی، لیدن، مطبعه بریل، ۱۹۱۱-۱۹۳۷م، ج ۳.
- جنگ اسکندری، دستنویس Add.27261 کتابخانه بریتانیا، کتابت محمد حلوی و ناصرالکاتب، ۸۱۳-۸۱۴ق، ۵۴۵ برگ.
- جنگ اشعار، دستنویس شماره ۱۴۴۵۶ کتابخانه گنج بخش (پاکستان)، بدون رقم، گردآوری و کتابت در سده ۸ق، ۹۸ برگ.
- حدایق السحر، رشیدالدین وطواط، به تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران، کتابخانه طهوری و سنایی، چاپ دوم: ۱۳۶۲.
- سفینه اسکندری، دستنویس شماره LA161 کتابخانه موزه گلبنکیان (لیسبون)، کتابت حسن الحافظ و محمود بن مرتضی بن احمد الحافظ الحسینی، ۸۱۳ق، ۴۴۱ برگ.
- طربخانه (رباعیات خیام)، یاراحمد رشیدی تبریزی، تصحیح جلال الدین همایی، تهران، نشر هما، چاپ دوم: ۱۳۶۷.
- عرفات العاشقین و عرصات العارفین، تقی الدین محمد اوحدی بلیانی، تصحیح ذبیح الله صاحبکاری و آمنه فخر احمد، با نظارت علمی محمد قهرمان، تهران، نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۹، ج ۸.
- «فهرست جنگ اسکندر میرزا تیموری»، اصغر مهدوی و ایرج افشار، فرهنگ ایران زمین، شماره ۲۶، بهار ۱۳۵۶، ۱۹۰-۲۰۵.
- گنج الگنج یا دستور الملوك، ابوالقاسم نصر بن احمد شادانی نیشابوری، دستنویس شماره ۴۷۸۶۰ مرکز مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن، سده ۱۳ق، ۵۲۲ برگ.
- مختارنامه، فریدالدین عطار نیشابوری، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، انتشارات سخن، چاپ دوم: ۱۳۷۵.
- منظومات، شرف الدین علی یزدی، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات ثریا، ۱۳۸۶.
- مونس الاحرار فی دقایق الاشعار، محمد بن بدر جاجرمی، به اهتمام میرصالح طیبی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰، جلد دوم.
- «نسخه ای شاهانه کتابت شده برای اسکندر بن عمر شیخ»، محمدرضا غیثیان و ایلسه استورکنبوم، آینه میراث، سال هجدهم، شماره دوم (پیاپی ۶۷)، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، ۵۵-۹۰.



تصویر یک. سفینه اسکندری، دستنویس موزه گلبنکیان، کتابت در ۸۱۳ق، برگ ۲۱۱



۲۱۴

آینه پژوهش | ۲۰۷

سال ۳۵ | شماره ۳

مرداد و شهریور ۱۴۰۳

تصویر دو، سفینه اسکندری، دستنویس موزه گلبنکیان، کتابت در ۸۱۳ق، برگ ۲۱۲





۲۱۵

آینه پژوهش | ۲۰۷  
سال | ۳۵ شماره ۳  
مرداد و شهریور ۱۴۰۳

تصویر سه، جنگ اسکندری، دستنویس کتابخانه بریتانیا، کتابت در ۸۱۳-۸۱۴ق، برگ ۲۸۲ پ